

محمد علی شاکری راد نقاش و اسطوره شناس در گذشت

محمد علی شاکری راد نقاش و اسطوره شناس در بیمارستان فیروزگر تهران درگذشت.



به گزارش ایسنا، این اسطوره شناس متولد سال ۱۳۲۰ در رشت کارشناسی ارشد معماری خود را در سال ۱۳۴۹ از دانشگاه هنر تهران دریافت کرد و به مدت شش سال مدیریت دانشکده هنر -دانشگاه آزاد اسلامی و مدیریت گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی را بر عهده داشت.

از تالیفات او می توان به دو جلد کتاب مرجع انسان، طبیعت طراحی (ارگونومی) ، کتاب خلاقیت در هنر معاصر ، کتاب روش تحقیق در هنر، کتاب هندسه نقوش و کتاب تاریخ هنر معاصر ایران (پنج دهه اخیر) اشاره کرد.از او مقالات بسیاری در زمینه هنر منتشر شد و همچنین در موضوعات تاثیر اساطیر در هنر ایران، نقش فرم در معماری، طرح های نمادین هنر ایرانی، بازگشت پست مدرنیسم، معنویت گرای در هنر مدرن، مدرنیته در هنر معاصر، نقش کاریکاتور در هنر معاصر، مدرنیسم و پیامدر نیم به ارائه سخنرانی و سمینار پرداخت.

محمد علی شاکری راد ۱۱ نمایشگاه انفرادی و ۱۹ نمایشگاه جمعی در گالری های مختلف برگزار کرد.

پرده نقره ای

فرجی:

هیچ فیلمی توقیف نشده است

مدیر کل دفتر نظارت بر عرضه و نمایش فیلم اعلام کرد که تعویق در اکران فیلم ها به دلیل تصمیم شورای صنفی نمایش است و هیچ

فیلمی توقیف نشده است.

به گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان سینمایی، محمدرضا فرجی درباره به تعویق افتادن اکران فیلم ها در این هفته با تکذیب اخباری مبنی بر توقیف فیلم ها اعلام کرد: پیرو بررسی هایی که شورای صنفی نمایش برای فیلم های در نوبت اکران انجام داد و بنا به درخواست پخش کننده فیلم «گر به سیاه» اکران این فیلم به مدت دو هفته و سایر فیلم ها به مدت یک هفته به تاخیر افتاد.

فرجی ادامه داد: خوشبختانه، اکران فیلم ها طی هفته های اخیر باعث رونق مجدد سینماهای کشور شد و شورای صنفی نمایش به منظور حمایت از دیگر فیلم های در حال اکران تصمیم گرفت اکران فیلم های جدید به تعویق بیافتد.

موسیقی

محدودیت های کرونا بی

سالن های کنسرت لغو شد

در تازه ترین جلسه مدیران معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تهیه کنندگان و فعالان برگزار کنسرت های موسیقی با برگزاری اجراهای زنده در قالب ظرفیت صدرصدی سالن ها موافقت شد.

مهر: در تازه ترین جلسه مدیران معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تهیه کنندگان و فعالان برگزار کنسرت های موسیقی با برگزاری اجراهای زنده در قالب ظرفیت صدرصدی سالن ها موافقت شد.

روابط عمومی معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با انتشار خبری از برگزاری، نشست نمایندگان موسسات موسیقی و مدیران سالن ها با حضور سرپرست معاونت امور هنری و سرپرست دفتر موسیقی به منظور تصمیم گیری نهایی برای از سرگیری اجراهای موسیقی خبر داد.

بر اساس خبر اعلام شده این جلسه در ادامه جلسات قبلی و با توجه به پیگیری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجوز ستاد کرونا برای اجراهای موسیقی و وعده وزیر ارشاد برای از سرگیری اجراهای موسیقی، در چند روز آینده برگزار شده است.

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع رسانی و خبرگزاری ایلنا

مدیر مسئول: مسعود حیدری

زیر نظر شورای سردبیری

مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه رسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee.irani

نشانی سایت: toseeirani.ir

ایمیل: toseirani@gmail.com

toseeirani.ir

«درس بی پایان» قصد دارد چه بگوید؟

همه بن بست ها برای دفاع از یک نمایش



احسان ز یورعالم

ماجراراهم در نظر داشت. اما چیزی، بیرون از نمایش هنرمند را تحریک می کندو کشف این موضوع شاید یکی از جذاب ترین وجوه تماشای نمایش باشد. اینکه مخاطب با خود بگوید هنرمند، آن صاحب چشمی گشوده تر- شاید -چه دیده که شاخک هایش حساس شده و می خواهد دانسته اش را با من به مشارکت بگذارد.

پس از تماشای «درس بی پایان» این وضعیت برایم حادثر شد. نمایشی که دسته جمعی دیده بودم، در میان ۱۵ نفر دیگر و همه در این عجب بودند که باچه روبه و شده بودند. تصویری از مدرسه، چیزی مد شده در سال های اخیر، نه با تصور ما از مدرسه همخوانی داشت و نه تصویری ایرانی شده از جهانی خارج از ایران. البته تلفیق نام های ایرانی و غیر ایرانی در نمایش این امکان را به ما می داد که مدرسه پیش رو، مدرسه ای است خیالی؛ اما مگر نه آنکه خیال هم

تجسمی

آثار پردیس شفیعیون در گالری شکوه به نمایش در آمد

زنگاری بر «خاطرات سرد»



علیرضا بخشی استوار

۱۶ اثر از پردیس شفیعیون با عنوان «خاطرات سرد» این روزها در گالری شکوه روی دیوار رفته است. شفیعیون دانش آموخته رشته نقاشی از دانشگاه سوره در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد از دانشگاه تربیت مدرس است. او تاکنون سه نمایشگاه انفرادی داشته است که اوین استدیوی او در سیتۀ اینترنشنال دزارت پاریس در سال ۱۳۹۶ یکی از نمایشگاه های مهم این هنرمند بوده است. او جدای از نمایشگاه های انفرادی در بیش از ۲۰ نمایشگاه گروهی نیز حضور داشته و به نگارش نقد و پژوهش در حوزه هنر های تجسمی هم مشغول است. آثاری که این روزها از او در گالری

شکوه روی دیوار رفته، رابطه تنگاتنگی با عنوانی دارد که برای این نمایشگاه انتخاب شده است.

تکنیک آثار شفیعیون میکس مدیا روی بوم است و قطع آثار او نیز بزرگ هستند که همین اتفاق نیز در رابطه صحیحی با مفهوم آثارش قرار دارد. در پس زمینه آثار این هنرمند پرتره ها و گاهی ایزه هایی نمود دارند؛ اما این پرتره ها و ایزه ها در زیر لایه هایی از رنگ و بافت پنهان شده اند. هر تابلوی این هنرمند شبیه به قطعه ای تاریخی است که انگار سال ها در پس خروار ها خاک و در میان ویرانه ای آسیب دیده است.

سطح مخدوشی که در آثار شفیعیون به وجود آمده قابل تمییم نیست. مانند خاطراتی که در ذهن هر فردی وجود دارد و دستیابی به آن خاطرات به شکل واضح و روشن ممکن نیست.

تصاویر شفیعیون به دلیل زنگاری که روی آن

کلمباین» و «پلی تکنیک» به اوج خود می رسد. حتی در سریال نه چندان جذاب «سینزه دلیل برای اینکه» نیز وجهی وفادارانه به این موضوع جذاب آمریکایی رقم می خورد؛ قتل عام دانش آموزان توسط همکلاسی ها.

متن استیونز روایتی است از ستیز طبقاتی و جنسیتی که منجر به یک فاجعه می شود. شخصیت های نمایش به نوعی با قلدری (Bullying)، دیگر مفهوم رایج در آثار مدرسه ای، یکدیگر را آزار می دهند تا و پلیام دست به خشونتی مهار ناپذیر بزنند. نمایشی که در آن هیچ معلمی وجود ندارد و گویی همین غیاب است که فاجعه را رقم می زند.

البته سایمونز، همانند بخش مهمی از نویسندگان انگلیسی تلاش می کند برای وضعیت پیش آمده یک وجه علمی، جایی در فیزیک نیز بیابد و آن را به نحوی استعاری با پدیده رخ داده این همانی کند. او در «پانکراک» به سراغ پادماده می رود. پادماده چیزی است بدیل با ماده، با جرمی یکسان اما با یاری متفاوت و البته موجود در شرایط ویژه. چیزی که شاید بتوان در تقابل دو شخصیت بنت و ویلیام در «پانکراک» کشفش کرد. به اجزای «درس بی پایان» بازگردیم. خبری از پادماده نیست؛ چون خبری از بنت نیست. بنت حذف و جوشش از قضا در شخصیت ویلیام پدیدار می شود، همانی که می باید است همکلاسی هایش را می کشد؛ اما ویلیام آدم فروش است. پس قتل عامی هم در مدرسه شکل نمی گیرد؛ چون پادماده از تاروپود نمایش گرفته شده است. اساساً علم از نمایش حذف و ادبیات جایگزین آن می شود. حتی آن وجه



نقش بسته است از لطافت تهی شده اند. اگر چه کاراکترهای درون هر قاب در حال خندیدن یا هر عمل دیگری باشند اما انگار خشمی حاصل از مرور زمان روی آنها را گرفته و دسترسی به آنچه درون قاب رویت پذیر است را غیر ممکن کرده است. هنرمند دست روی یک سوژه یا موقعیت مشخص نگذاشته است و با تغییر فضای هر اثر گستره وسیع تری از این انهدام و بازآل تدریجی خاطرات را برای ما به تصویر درآورده است. حتی

با یاه هفتم هم مشمول رویه آموزش و پرورش در تحریف کتب درسی شد؛

«واحد های گشت» حجاب در نیویورک!

است. آنان می بینند مشکلات ناشی از بی حجابی در کشور هایشان ده ها برابر کشورهای اسلامی است و به همین دلیل پوشش زنان مسلمان را عامل اصلی آرامش و امنیت آنها می بینند.»

تدوین کنندگان این کتاب درسی، برای اثبات ادعای خود به دو مقاله منتشر شده در دو نشریه معتبر غربی اشاره کرده و نوشته اند: «روزنامه نیویورک تایمز در مقاله ای با عنوان «امنیت زنان در اسلام» اعتراف کرده حجاب برای زنان امنیت می آورد. به نقل از وال استریت ژورنال هم مدعی

قلدری هم در گیر زدایش می شود. شش دانش آموز مدرسه به جای تقابل با هم، در گیر پرفسوری می شوند که زاده ذهن خالقان ایرانی است. پرفسوری که از قضا گروه ۱۵ نفره ما با او هم ذات پنداری نمی کند. یک معلم عجیب و غریب که کمی دادمی زند، شبیه معجون هامی رود و می آید و از نیروهای غیبی برای سرکوب استفاده می کند، هر چند سرکوب هاهم این همانی با سرکوب های تجربه شده توسط گروه هم خوانی ندارد. شخصاً در مدرسه با وجود تمام امتیازهای مثبت مدنظر مدرسه، کتک خورده ام، تحقیر شده ام و آسیب دیده ام؛ اما هیچ یک از تجربه های استبدادی مدرسه ایرانی در نمایش بازآفرینی نمی شود. حتی نزدیکش هم نمی شود. با اینکه با حذف فیزیک از متن اصلی و جایگزینیش با دیکته، گویی قرار است سازندگان نمایش از وجوه استبدادی مدرسه بگویند؛ اما این استعاره هم دم دستی است و هم ناکارآمد. دیکته ای که از هر گونه نگاه پلیسی فارغ است. مگر نه آنکه استبداد چیزی است شبیه نظارت همیشگی برادر بزرگ ۱۹۸۴!!!

پس وقتی مدرسه نه آن است که در «فیل» و «پانکراک» می بینیم و نه این است که در زندگی واقعی تجربه می کنیم، «درس بی پایان» قصد دارد چه بگوید؟ قصدش اشاره به چه چیزی است؟ آیا قرار است ماصر فآ به یک فضا سازی معطوف از فرآیندهای از ایده تاجر ابرسیم؟ اگر چنین باشد چرا رگه ها و ردپاهای نمایشنامه اصلی انهدام شود؟ برای مثال هنوز نمی توانم استدلالی - حتی دال بر بی هدفی - از پخش ویدئوری دیوار پیدا کنم. عادتی که در عموم نمایش های ایرانی، از هاپپرنالیستی ترین هایش - نمونه خوش «یافت آباد» محمد مساوات

«درس بی پایان» قصد دارد چه بگوید و به چه نکته ای اشاره کند؟ آیا قرار است ماصر فآ به یک فضا سازی معطوف از فرآیندهای از ایده تاجر ابرسیم؟ اگر چنین باشد چرا رگه ها و ردپاهای نمایشنامه اصلی اجازه استقلال نمی دهد؟ مهمتر آنکه اساساً چرا باید یک متن نا آشنا برای مخاطب ایرانی دچار بازخوانی و البته انهدام شود؟

بود - تا آوانگارترین هایش - پای ثابت کارهای کوهستانی و پسبانی - به نظر نه از یک بعد فکری یا هنری، که از یک تقلید کورکورانه می آید. حتی دکور نمایش «درس بی پایان» ذهن را به سمت «پسران تاریخ» خیل نژادی می برد که آن هم در باره مدرسه است و از قضا آن هم لت و پارگرمتن آلن بنت بود. عدم اتصال میان محتوا و فرم، کمکی به ابهت اجرانی نمی کند. میلاد نیک آبادی شاید موفق به خلق یک اتمسفر تازه و چیدمان - نه میزآنسن - جذابی روی صحنه شده باشد؛ ولی باز نمی تواند به این پرسش پاسخ دهد که هدف از این اثر چیست و قرار است مخاطب در حین بیرون رفتن از سالن چه چیزی با خود حمل کند. او حتی نمی تواند به ما بگوید شخصیت کاسپار - این شخصیت و داستانش در نمایشنامه سایمونز نیست - آیا آن روح آبی مهربان است یا آن کاسپار هاووز معمولی که بی خبر آمد و بی خبر مرد. کاسپار با ویلیام و ردزورث «درس بی پایان» هیچ گاه نمی تواند ارجاع پادماده سایمونز شود، هیچ وقت جایی در ساختار نمایش پیدانی کند.



در نهایت شفیعیون با تخریب خاطرات انگار اهمیت لحظه ها را برای مانمایان می کند. او کوتاه بودن عمر لحظه ها را در پس این قاب های زنگار بسته به ما یادآوری می کند و به نوعی با خاطرات سردی که مرور می شود ما را به توجه به لحاظات آکنون و پیش رو ترغیب می کند. نمایشگاه آثار این هنرمند تا ۱۶ آذر ماه در گالری شکوه برقرار است.

شده اند پلیس در نیویورک، «واحد های گشتی مخصوص تذکر» به زنان بد پوشش تاسیس کرده است،»

نه در وال استریت ژورنال و نه در هیچ نشریه دیگری نشانی از خبر تاسیس «واحد گشتی پلیس نیویورک برای تذکر به زنان بد پوشش» نیست. مقاله ای هم با عنوان «امنیت زنان در اسلام» و محتوای درباره فواید حجاب و ایجاد امنیت برای زنان در نیویورک تایمز منتشر نشده است. ۲۹ سال پیش گزارشی توصیفی درباره وضعیت زنان

در مصر، الجزایر در نیویورک تایمز منتشر شده. موضوع این گزارش، خشونت علیه زنان در کشورهای مسلمان است. در بخشی از این گزارش نویسنده ضمن اشاره به عدم امنیت زنان در شهرهای شلوغ می نویسد حجاب امنیت نسبی می آورد.